

بررسی معیارهای هفت‌گانه جرمی بنتام با تکیه بر آموزه‌های اسلامی

محمدتقی سبحانی‌نیا*

چکیده

در میان نظریه‌های اخلاقی اندیشمندان غربی، نظریه سودگروی جرمی بنتام از جمله نظریاتی است که با برخی گرایش‌ها و تمایل‌های بشر سازگاری زیادی دارد. به نظر می‌رسد که وی تلاش کرده است نظریه اخلاقی خود را با اتکا به تمایلات بشری سازگار سازد. یکی از اشکال‌های این نظریه این است که صرفاً مبتنی بر نگاه مادی طرح شده و صاحب آن همه چیز را در ظرف دنیای مادی و این جهانی خلاصه کرده است. نظریه بنتام از سوی اندیشمندان پس از او از جهات مختلف نقد و بررسی شده است.^۱ نگارنده نوشته حاضر با رویکردی دیگر به نظریه او نگریسته و در پی تکمیل و تصحیح معیارهای هفت‌گانه بنتام با تکیه بر مضامین اخلاقی قرآن و حدیث در جهت تشویق بشر به سمت ایمان به خدا و معاد و رعایت اصول اخلاقی است. در این مقاله سعی شده است از یک سو، قوت و کمال معارف اخلاقی اسلام آشکار شود و از سویی دیگر، مشکلات و خلأهای نظریه بنتام به سبب نگاه مادی او و نادیده گرفتن جهان آخرت و زندگی ابدی انسان در جهان پس از مرگ، نمایان گردد. کلید واژه‌ها: نظریه اخلاقی، سودگرایی، جرمی بنتام، ارزش‌های اخلاقی و لذت‌گرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله‌های جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری دانشکده علوم حدیث، دریافت: ۸۹/۱/۱۵ - پذیرش: ۸۹/۳/۲۰

مقدمه

یکی از پرسش‌هایی که برای بشر مطرح بوده این است که چرا انسان باید رفتار خود را طبق هنجارهای اخلاقی تنظیم کند و از انجام کار غیر اخلاقی پرهیز نماید؟ به طور کلی، معیار ارزشمندی افعال انسان چیست و بر چه اساسی می‌توان افعال اختیاری انسان را ارزشمند دانست یا میزان ارزشمندی آنها را اندازه‌گیری کرد و سنجید؟ جای طرح این قبیل پرسش‌ها و پاسخ آن در فلسفه اخلاق است و از دیرباز نظریه‌های متعددی برای پاسخ به این پرسش شکل گرفته است. یکی از این نظریه‌ها نظریه موسوم به سودگرایی است که از آن گاهی به منفعت‌گرایی و نفع‌گرایی نیز تعبیر می‌شود. سودگرایی نظریه اخلاقی است که از قرن نوزده میلادی در فلسفه اخلاق راه پیدا کرد. این نظریه از زمره نظریه‌های غایت‌گرایانه بوده و برای توجیه رفتار اخلاقی، قبل از هر چیز به غایت آن نظر دارد و در بردارنده این معناست که رفتار اخلاقی، رفتاری است که پیامد آن، خیر و منفعت یا سود باشد. به عبارت دیگر، از نگاه طرفداران این نظریه، خوب آن است که بیشترین منفعت و سود یا به بیان دیگر، بیشترین غلبه خیر را بر شر در پی داشته باشد. پس، رفتاری که نفعش بیشتر از ضرر آن است خوب، و رفتاری که ضرر و شر بیشتری دارد، بد است. بنابراین، از میان امکانات مختلفی که در هر مورد در برابر ما وجود دارد باید آن امکان را برگزینیم که بزرگ‌ترین سعادت (یعنی بزرگ‌ترین لذت) را برای بیشتر افراد ایجاد کند.^۲

بنتام معتقد است:

طبیعت، بشر را فرمانبردار دو حاکم گردانده است، یکی لذت و دیگری درد. همه تصمیمات ما به این دو (اصل) برمی‌گردد ... جست‌وجوی لذت و گریز از درد، تنها غایت آدمی است، حتی در لحظه‌ای که بزرگ‌ترین لذت را از خود دریغ دارد و یا جرایم سنگین را بر خود هموار می‌کند.^۳

بنتام اساسی‌ترین امر را در اصل سودگرایی، محاسبه میزان سودمندی هر چیزی دانسته و غیر از آن را دخیل نمی‌داند.^۴ البته سودگرایی مانند برخی دیگر از مکتب‌های هم‌نوع خود، همچون لذت‌گرایی، به صورت‌های بسیار متفاوت و مختلفی تقریر شده است، به گونه‌ای که به سختی می‌توان وجه جامع و مشترکی برای آنها پیدا کرد، اگرچه در باره سودگرایی می‌توان گفت که «سود» یگانه مدارنهایی صواب، خطا و الزام اخلاقی در آن به شمار می‌رود.

سودگروی خود سه شاخه شده است:

۱. سودگروی عمل‌نگر: سودگروی عمل‌نگر بر اصل توسل مستقیم به سود استوار شده است. در این نوع از سودگروی به هیچ قاعده کلی توجه قرار نمی‌شود و هر عملی به صورت خاص، بررسی و میزان سود و غلبه خیر آن بر شرش سنجیده می‌شود و تنها در صورت برتری سود آن بر زیانش و غلبه خیر آن بر شرش، عمل خوب دانسته می‌شود.

سودگرایی عمل‌نگر، اجازه استفاده از هیچ قاعده یا تعمیمی را از تجارب گذشته نمی‌دهد و اصرار دارد که در تک تک موارد باید آثار و نتایج همه اعمالی که پیش روی ما قرار دارند بر رفاه عمومی و سود اکثری، از نو سنجیده و محاسبه شود. این دیدگاه از سوی پاره‌ای از فیلسوفان اخلاق، نقد و بررسی شده است. جرمی بنتام و جی. ای. مور طرفدار این نوع سودگرایی هستند.

۲. **سودگروی عام:** این نوع سودگرایی بر این اصل استوار است که ببیند هر کاری را اگر همه انجام دهند چه پیامدی خواهد داشت. تفکری که پشتوانه سودگروی عام است این است که اگر در موقعیت خاصی انجام کاری برای کسی صواب است، پس انجام آن برای همه کسانی که موقعیت مشابهی دارند، صواب است. بنابراین، باید پرسید اگر در چنین مواردی همه بخواهند مانند ما عمل کنند چه پیامدهایی خواهد داشت. ام‌جی سینگر این نظر را دقیق، تبیین کرده است.

۳. **سودگروی قاعده‌نگر:** این نوع سودگروی بر نقش محوری و کلیدی قواعد در اخلاق تأکید می‌کند و به ما می‌گوید: باید کاری را انجام دهیم که مورد توصیه قواعدی است که اگر افراد جامعه سعی در پیروی از آنها کنند بهترین پیامدها را خواهد داشت.^۵ پس این نظریه در پی آن است که بگوید کدام قاعده، بیشترین سود را دارد. این نوع سودگروی به جان استوارت میل نسبت داده شده است.

سودگرایی بر اساس دیدگاه جرمی بنتام

گاهی از جرمی بنتام به عنوان مبدع نظریه سودگرایی یاد می‌شود. وی هرچند نقش بسیار مهمی در تبیین علمی آن داشته، اما حقیقت این است که او مایه‌های اولیه طرح این نظریه را از فیلسوفان و متفکران پیش از خود گرفته و شاید تبیین علمی و دقیق او باعث شده است که برخی این نظریه را به او نسبت دهند. به هر حال، بنیادی‌ترین اصل مکتب بنتام که در آخرین دهه‌های قرن نوزدهم پایه‌گذاری شد، عبارت است از «اصل سود» یا «اصل بیشترین سعادت». بنتام طرفدار یا به تعبیر بهتر مبدع نظریه سودگروی عمل‌نگر است. او معتقد است که این اصل همواره و همه جا بر رفتارهای همه افراد، اعم از رفتارهای فردی یا جمعی تأثیرگذار است. البته اهمیت اصل سود برای بنتام در فراهم آوردن حداکثر خوشبختی ممکن برای همه مردم است. همچنین مکتب وی اصول اخلاقی دیگری نیز دارد که به طور کلی می‌توان آنها را در چند اصل خلاصه کرد: فقط لذت خوب است و فقط درد بد است. بنتام از لذت و الم، همان معنایی را اراده می‌کند که عموم مردم می‌فهمند و قصد می‌کنند.

اصل اول: لذت‌ها و دردها قابل اندازه‌گیری و سنجش‌اند: منظور وی این است که گرایش کلی اعمال را می‌توان با دقت کافی تخمین زد، به گونه‌ای که منطقی و قانون بتوانند با حمایت یا مقابله با چنین گرایشی بنای سعادت را بر پا کنند.

اصل دوم: هدف هر فردی رسیدن به لذت و اجتناب از درد است: به عقیده وی آدمیان نه تنها باید غایت نهایی کارهای خود را رسیدن به چنان هدفی قرار دهند، بلکه اصولاً باید به طور گریزناپذیری چنین می‌کنند.

اصل سوم: انسان‌ها هرچند در حقیقت در پی رسیدن به لذت شخصی و پرهیز از الم شخصی‌اند، اما لازم است که لذت عمومی افراد جامعه و افزایش آن لذت را نیز هدف خویش قرار دهند.

بنتام معتقد است میزان لذت‌ها را می‌توان سنجید. او برای اندازه‌گیری میزان لذت در اعمال و رفتاری که در پیش روی آدمی است، هفت معیار یا شاخص معرفی می‌کند:^۷

۱. شدت: ^۸ پاره‌ای از لذت‌ها حاد و شدیدند و پاره‌ای دیگر، ضعیف و کم تأثیر. برای مثال، لذت غذا پس از گرسنگی زیاد، شدیدتر و قوی‌تر از لذت آن در حالت عادی است.

۲. پایداری: ^۹ بعضی لذت‌ها در مقایسه با دیگر لذات، دوام و پایداری بیشتری دارند. برای مثال، لذت علم و دانش در مقایسه با لذت بهره‌مندی از غذا پایداری و بادوام‌تر است. در این میان، وظیفه ما این است که لذت‌های پایداری را قربانی لذت‌های ضعیف‌تر و ناپایدار نکنیم.

۳. مطمئن الحصول بودن یا نبودن (قطعیت یا عدم قطعیت): ^{۱۰} حصول برخی لذت‌ها یقینی و قطعی است و برخی دیگر احتمالی. در چنین مواردی نیز لازم است در پی لذت‌هایی باشیم که به تحقق و حصولشان اطمینان داریم.

۴. نزدیکی یا دوری: ^{۱۱} برخی لذت‌ها قریب‌الحصول و نزدیک‌اند و برخی دیگر بعید‌الحصول و دور. در اینجا نیز باید لذت‌های نزدیک‌تر و قریب‌الحصول را بر لذت‌های دور و بعید ترجیح داد. این شرایط چهارگانه باید برای ارزیابی لذت و المی که هرکدام فی‌نفسه در نظر گرفته می‌شوند، مورد توجه قرار گیرند. اما زمانی که ارزش هر لذت و المی را به منظور ارزیابی استعداد هر عملی که توسط آن ایجاد شده است در نظر می‌گیریم، افزون بر چهار معیار پیش گفته، باید به دو معیار دیگر نیز برای ارزیابی و محاسبه لذت و الم توجه کرد که عبارت‌اند از:

۵. باروری: ^{۱۲} برخی لذت‌ها، لذات دیگری را در پی دارند که به آنها لذات بارور یا لذات ثمربخش گفته می‌شود و برخی دیگر چنین ویژگی را ندارند. در مقایسه این دو نوع لذت باید همواره لذا‌یذ بارور و ثمربخش را مقدم داشت.

۶. خلوص: برخی لذت‌ها هستند که بهره‌مندی از آنها مستلزم هیچ‌گونه المی نیست. به این نوع از لذت‌ها، لذا‌یذ خالص گفته می‌شود. در مقابل، برخی دیگر از لذا‌یذ هستند - بیشتر لذت‌ها از این نوع می‌باشند - که بهره‌مندی از آنها مستلزم تحمل پاره‌ای از آلام است. روشن است که تا زمانی که بهره‌مندی از لذت‌های خالص امکان داشته باشد نباید در پی لذت‌های ناخالص و آمیخته با آلام بود.

اکنون اگر ارزش لذت یا الم را در مقایسه با تعدادی از انسان‌ها در نظر بگیریم، شرط دیگری را باید بر این مجموعه افزود و آن عبارت است از:

۷. شمولیت و گستردگی: ^{۱۳} هفتمین و آخرین معیاری که باید در محاسبه سودگرایانه خود به آن توجه داشته باشیم میزان گستردگی و قلمرو تأثیرگذاری لذات و آلام است. هر لذتی که گستره شمول آن بیشتر از لذت دیگر باشد به همان میزان در مقایسه با آن از اولویت برخوردار است. لذت گسترده به لذتی گفته می‌شود که افزون بر فاعل، عده‌ای دیگر از مردمان نیز از آن بهره ببرند. لذتی که دیگران نیز در آن سهیم باشند بزرگ‌تر از لذتی است که فقط خوشایند فاعل باشد و به همین دلیل، در مقایسه با آن نیز ارجحیت و تقدم دارد.

نکته شایان توجه درباره محاسبه سودگرایانه بنتام این است که لازم نیست همیشه و در همه جا برای تشخیص وظیفه اخلاقی خود دست به چنین محاسبه‌ای بزنیم، زیرا تاریخ انسانیت و مدنیت، این محاسبه را طی قرون متمادی انجام داده و نتیجه محاسبات خود را با تأسیس علم اخلاق برای ما به ارث گذاشته است. فحوای علم اخلاق سنتی درحقیقت همان مذهب منفعت عمومی است.^{۱۴}

معیارهای بنتام

بزرگ‌ترین مشکل نظریه بنتام عدم توجه آن به ماورای طبیعت و انحصار لذت و سود در لذت و سود مادی است. او با اینکه معیارهای هفت‌گانه مهمی را تبیین نموده، اما با محدود کردن در امور مادی و طبیعی، سطح نظریه خود را تنزل داده و مانع شده است تا نظریه اش نظریه‌ای منطقی و قابل دفاع از منظر یک اندیشمند معتقد به دین آسمانی مطرح شود. همان‌گونه که گذشت، این نوشتار در پی ترمیم نظریه بنتام بر اساس متون دینی و تطبیق معیارهای هفت‌گانه‌اش با آموزه‌های دین اسلام است.

به نظر می‌رسد نخستین عاملی که نظریه بنتام را از یک نظریه اخلاقی غیر دینی به نظریه اخلاقی همخوان با آموزه‌های دینی تبدیل می‌کند، این است که مقصود از سود و منفعت، فراتر از سود و منفعت مادی باشد و منافع فوق مادی یا معنوی را نیز شامل شود. دیگر آنکه منفعت مورد نظر او منفعت اخروی را نیز شامل شود و به منافع‌های این جهانی محدود نگردد. به عبارت بهتر اگر جهان بینی بنتام دگرگون شده و به جهان آخرت نیز اعتقاد داشته باشد، در آن صورت، لذت و منفعت در لذات و منافع دنیوی و مادی خلاصه نخواهد شد، بلکه لذات و منافع اخروی و معنوی را نیز شامل می‌شود. با این بیان، اصل اولی بنتام که به تعیین سود یا منفعت به عنوان هدف اولیه انجام کار اخلاقی می‌پرداخت، ترمیم شده و دین آن را تأیید خواهد کرد.

پس از ترمیم اصل اولی بنتام می‌توان شواهد و ادله متعددی از قرآن و روایات برای معیارهای او ارائه کرد که در این بخش، تنها به چند مورد از این ادله یا شواهد اشاره می‌شود:

معیار اول، شدت: بنتام در این معیار، معتقد است آن لذتی که شدیدتر و بزرگ‌تر است بر لذات ضعیف‌تر و کوچک‌تر، مقدم است. اکنون پس از آنکه منفعت و لذت، منفعت و لذت

اخروی را نیز شامل شد، بر اساس معیار بنتام باید در پی منفعت شدیدتر و بزرگ‌تر بود و عملی که منفعت کمتر یا ضعیف‌تر دارد، کنار گذاشته شود. قرآن کریم نیز بشر را به انجام اعمال و رفتار نیک دعوت کرده و پاداش بزرگ آن را خاطرنشان می‌کند. این نکته، انگیزه انسان را برای انجام رفتار نیک و شایسته تقویت کرده، او را از انجام اعمال ناشایستی که ممکن است تنها منفعت دنیوی و مادی (که فانی و زودگذر و به تبع آن کوچک‌تر یا ضعیف‌تر است) داشته باشد، باز می‌دارد. خدای متعال می‌فرماید: «خداوند به آنان که ایمان آورده و عمل نیک انجام دهند وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است». (مائده: ۹) و نیز در جای دیگر فرموده است: «و خداوند به مردان و زنان مؤمن باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وعده فرموده است که در آن باغ‌ها و عمارت‌های نیکوی آن، جاودانه خواهند بود و - نیز وعده - خشنودی خدا را که از هر نعمتی برتر است، داده است. این است رستگاری بزرگ». (توبه: ۷۲)

قرآن کریم از این معیار منطقی و عقلی که جلب منفعت و سود بزرگ‌تر، بر جلب مصلحت و سود کوچک‌تر مقدم است، استفاده کرده، ضمن شمردن پاداش آخرت به عنوان پاداش بزرگ، منافع دنیوی را کوچک شمرده، آدمی را از توجه به منافع دنیوی و غفلت از منافع بزرگ اخروی برحذر می‌دارد: «بگو - ای پیامبر - بهره دنیا ناچیز، و آخرت برای آنکه پرهیزکار است بهتر است». (نساء: ۷۷)

همچنین برای اینکه انسان متاع ناچیز دنیا را بر نعمت‌های بزرگ اخروی ترجیح ندهد، عذاب و زیان‌های بزرگ اخروی را به او یاد آور شده و او را از انجام اعمال و رفتار ناشایست که ممکن است تنها منافع دنیوی دربرداشته باشد، برحذر می‌دارد و از این طریق، انگیزه انجام کارهای نیک را در او دوچندان می‌کند:

زنان و مردان منافق برخی، برخی دیگر را حمایت می‌کنند، به انجام کار ناپسند فرمان داده از کار نیک باز می‌دارند و از انفاق خودداری کرده، خدا را فراموش کرده‌اند و - خدا نیز - آنها را به فراموشی سپرده است و این منافقان‌اند که بدکردارند * خدا مردان و زنان منافق و کافران را به آتش جهنم وعده داده است که در آن جاودانه خواهند ماند. آن دوزخ برای - کیفر - آنان کافی است و خدا آنان را لعن کرده و برای آنان عذابی ابدی است. (توبه: ۶۷-۶۸)

نکته‌ای که در آیات فوق به چشم می‌خورد این است که خداوند با واژه‌هایی چون «عمل صالح»، «تقوا» و «معروف» به انجام کارهای نیک و اخلاقی سفارش کرده با واژه «منکر» از انجام کار زشت و ناپسند برحذر داشته است. وجود این الفاظ در آیه‌های یاد شده، حاکی از آن است که مقصود خداوند بیشتر اخلاق و کارهای اخلاقی بوده است نه احکام شرعی. البته اگر بپذیریم که احکام شرعی نیز جزء کارهای پسندیده است در آن صورت، احکام شرعی را نیز در برمی‌گیرد. معیار دوم، پایداری: مقصود او از این معیار این است که کار اخلاقی آن است که اولاً: سود و

منفعت آن بیش از زیان و شر آن باشد و ثانیاً: بادوام‌تر باشد. بنابراین اگر دو کار در میزان منفعت با هم مساوی است، آن کاری خوب است که منفعتش بادوام‌تر باشد و زودگذر یا مقطعی نباشد. بنتام این معیار خود را نیز بر اساس منطق و عقل برگزیده است. بدیهی است که عقل سلیم منفعت پایدار را بر منفعت ناپایدار ترجیح می‌دهد. حال اگر در نگرش خود به جهان هستی، الهی‌بیندیشیم، آنگاه منافع اخروی را ماندگار و جاودانه خواهیم دانست و در رفتار خویش، کاری را که با منافع جاودانه‌ی اخروی سازگاری دارد بر منافع دنیا ترجیح خواهیم داد. البته از منظر دین، منافع دنیا با منافع آخرت مانعة الجمع نیستند و امکان جمع بین آنها وجود دارد، از این‌رو ادیان آسمانی تلاش دارند تا بشر را به سمت انتخابی صحیح که هر دو منفعت را تضمین می‌کند، راهنمایی نموده و سوق دهند. البته سعادت و رستگاری حقیقی از دیدگاه ادیان آسمانی، سعادت اخروی است، زیرا منافع آن پایدار و ماندگار است و از نظر بزرگی و عظمت نیز با منافع مادی و دنیوی قابل قیاس نیست.

قرآن کریم در سوره نساء می‌فرماید: «و کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام داده‌اند به زودی آنها را به باغ‌هایی داخل می‌کنیم که از زیر درختانش نهرها جاری است. آنها در آنجا جاودانه خواهند ماند...» (نساء: ۱۲۲)

و نیز می‌فرماید: «خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وعده فرموده است که در آنجا جاودانه خواهند ماند...» (توبه: ۷۲)^{۱۵}

با توجه به آنچه گذشت، روشن است که خداوند با شناخت کامل بندگان خود که همواره در پی نعمت‌های زوال‌ناپذیر و سعادت جاودانه هستند، آنها را از بسنده کردن به نعمت‌های دنیا برحذر داشته و زوال‌پذیر بودن متاع دنیا را از یک سو به آنها یادآور شده و از سوی دیگر، سعادت و رستگاری ابدی را تنها در آخرت قابل دسترسی می‌داند، از این‌رو آنها را به سوی انجام اعمال و رفتار نیک دعوت می‌کند و از انجام هر عمل زشت و ناپسند که ممکن است منفعتی مقطعی و کوتاه در دنیا در پی داشته باشد، باز می‌دارد.

معیار سوم، مطمئن الحصول بودن یا نبودن: معیار دیگر بنتام در جهت انتخاب رفتار خوب و اخلاقی، مطمئن الحصول بودن سود و منفعت آن کار است. بر اساس تفکر بنتام، خوب، آن رفتاری است که تحقق منفعتش در مقایسه با تحقق منفعت‌های کار دیگر از احتمال بیشتری برخوردار بوده یا قطعی‌تر باشد. البته بنتام با توجه به نگرش مادی و طبیعی‌اش فقط دسترسی به منافع مادی و دنیوی را در نظر گرفته و شاید به همین سبب است که به این معیار توجه و به آن تصریح کرده است. اما این معیار چیزی نیست که در آموزه‌های دینی از آن غفلت شده باشد، زیرا در آیات و روایات به حتمی و یقینی بودن دستیابی به منافع اخروی - به صورت مکرر - تصریح شده و هرگونه شک و تردید در مورد جهان آخرت، ناروا و نادرست شمرده شده است. این معنا در آیات فراوان تکرار شده و به مناسبت‌های مختلف بر آن تأکید شده است:

«وعدۀ خداوند حق است و چه کسی در گفتار راستگوتر از خداست؟!» (نساء: ۱۲۲)

«همانا وعدۀ خدا حق است اما بیشتر آنان نمی‌دانند». (یونس: ۵۵ و قصص: ۱۳).

«این وعدۀ حتمی خداست و او مقتدر و حکیم است». (لقمان: ۹)

«این وعدۀ خداست و خدا هرگز خلف وعدۀ نمی‌کند». (زمر: ۲۰)

این آیات و آیات متعددی که بر پایبندی خدا به درستی و صداقت وعدۀ‌هایی که به بندگانش داده است، تأکید می‌کند، همگی حاکی از تأیید این معیار است که توجه به منفعت حتمی و ترجیح آن بر سود احتمالی، منطقی و عقلانی است. اما مشکل در اینجاست که کدام سود را باید حتمی دانست؛ سودی که ممکن است در دنیا به آن دست یافت یا سودی که در جهان آخرت به آن می‌رسیم و خداوند در آیات متعدد حصول آن را برای مؤمنان حتمی شمرده است؟ به همین دلیل، قرآن کریم ضمن تصریح به حتمی بودن وعدۀ‌های الهی، انسان را از فریب خوردن به واسطه نعمت‌ها و موهبت‌های دنیا به شدت برحذر می‌دارد:

«ای مردم همانا وعدۀ خدا حتمی است پس مبادا زندگانی دنیا شما را فریفته سازد و یا -

شیطان شما را - به - بخشش - خدا فریب دهد». (فاطر: ۵ و ر.ک: لقمان ۳۳).

این آیه شریفه - علاوه بر آنچه اشاره شد - کج فهمی از آیاتی را که به بخشنده بودن خدا تصریح کرده، مانع شده و در واقع این بهانه را از نوع بشر می‌گیرد که با تمسک به آیاتی که به بخشش و آمرزش خدا اشاره دارد، در پی هوا و هوس خود بوده و هرکار ناپسندی را انجام دهد و احکام شرعی و دستورات اخلاقی را نادیده بگیرد.

معیار چهارم، نزدیکی یا دوری: همان‌گونه که گذشت، بنتمام نزدیکی یا دوری سود کارها را در نظر می‌گیرد و آن را که در دسترس‌تر یا نزدیک‌تر است، بر منفعت دورتر مقدم می‌دانند. البته بنتمام بین منفعت‌هایی که میزان آنها مساوی است این اصل را جریان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، اگر دو منفعت که محصول دو کار اخلاقی هستند با هم برابر باشند او آن را که نزدیک‌تر است انتخاب کرده و کار خوب یا اخلاقی معرفی می‌کند. اما اگر انسان بین دو کاری که منفعت یکی بزرگ‌تر و منفعت دیگری نزدیک‌تر است متحیر بماند به نظر نمی‌آید که او بدون تأمل، سود نزدیک را بر سود بزرگ ترجیح دهد، زیرا یقیناً ارزیابی میزان بزرگی سود و نیز توجه به معیارهای دیگر، او را در انتخاب سود نزدیک به تردید خواهد انداخت. اما به هر حال آنجا که بین معیارها تعارضی نباشد، نزدیک بودن سود کار اخلاقی، از منظر بنتمام تأثیرگذار بوده و به عنوان یک اصل باید به آن توجه شود. بر اساس این فرض، معیار مزبور مورد پذیرش عقل سلیم است. اما - همان‌گونه که گذشت - در متون دینی، به ویژه در متون اسلامی، آخرت به عنوان اصل در زندگی انسان معرفی شده و دنیا و منافع آن در مرتبه نازلی قرار داده شده است. پس آنجا که دو کار با هم در تزامن باشند که سود یکی به اصطلاح مشت پرکن بوده و در دنیا قابل دست یافتن باشد و سود کار دیگر مربوط به آخرت باشد، انتخاب یکی بر دیگری مشکل خواهد

بود، زیرا براساس نظریه سودگروی بنتام، کاری که سود دنیوی دارد چون نزدیک‌تر است مقدم می‌شود، اما در تعالیم اسلامی سعی شده است تا با نزدیک دانستن آخرت و فانی و کوتاه دانستن دنیا و بسیار ناچیز شمردن موهبت‌های آن، انگیزه عمل اخلاقی را که منافع اخروی دارد، در نظر مؤمنان تقویت کرده و مردم را از اینکه آخرت و نتایج اعمال را در آن دور تصور کنند، باز دارد:

«هرگز بر روی زمین پس از آنکه امور آن اصلاح شد به فساد و تباهی مبادرت نورزید و خدا را با بیم و امید بخوانید که همانا لطف و رحمت او به نیکوکاران نزدیک است.» (اعراف: ۵۶).
حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «تو همانا در مکانی - و مقطعی - از دنیا هستی و حال آنکه، در حقیقت، به آخرت نزدیکی».^{۱۶} همچنین آن حضرت می‌فرماید: «آخرت نزدیک است و توقف در دنیا کوتاه».^{۱۷}

بنابراین، می‌بینیم که حتی براساس آموزه‌های دینی نزدیک بودن منفعت، به عنوان انگیزه، در انتخاب عمل تأثیرگذار است و به همین دلیل، نزدیک دانستن آخرت باعث می‌شود تا انسان‌ها کمتر در صدد ترجیح منافع دنیوی بر منافع اخروی باشند.

معیار پنجم، باروری: بر اساس این معیار، لذت یا سودی که آبتن لذت و سود دیگری است و منفعت دیگری را در پی دارد، بر منافع عقیم مقدم خواهد شد. و نیز لذت و سودی که دوام بیشتری دارد بر لذت و منفعت زودگذر و فانی مقدم است. وجود چنین ویژگی در هر کار، مزیت و برتری آن را در مقایسه با کار مشابهش باعث می‌شود. در تعالیم اسلام نیز دنیا به طور کلی طرد نشده است، بلکه استفاده از موهبت‌ها و نعمت‌های مشروع و حلال بسیار مطلوب و گاهی ضروری و لازم دانسته شده و بر انتفاع از آن اصرار شده است. به طور کلی کمترین فایده دنیوی هرگونه رفتار اخلاقی، تکامل یافتن فاعل آن و دستیابی او به مدارج بالاتر از نظر سجایای اخلاقی و انسانی است. اما اگر همین اعمال اخلاقی که هیچ نفعی غیر از تکامل روحی فاعل در پی ندارد، توسط فردی مؤمن و معتقد به ادیان الهی، به ویژه اسلام انجام شود، قابلیت دارد که از نوع بارور باشد، زیرا او می‌تواند با نیت الهی خود علاوه بر دستیابی به مدارج بالاتر انسانی و تکامل بیشتر، از ثواب الهی نیز برخوردار شده، در آخرت، پاداش خدا را شامل حال خویش گرداند، زیرا بر اساس نص صریح قرآن کریم هر عمل نیک به میزان ده برابر پاداش خواهد داشت.^{۱۸} بنابراین، امکان اینکه تمام رفتارهای اخلاقی از منظر دین از نوع بارور باشد و از دوام و بقای و جاودانگی برخوردار باشد، یقینی است. این نکته را می‌توان از آیات متعددی از قرآن کریم استفاده کرد: «پس خداوند پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را شامل حال آنها کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۸)

و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «پس آنچه به در اختیار شما قرار گرفت بهره‌ای ناچیز از دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقی‌تر و با دوام‌تر است.» (شورا: ۳۶)

«آنچه نزد شماست از بین می‌رود و آنچه در نزد خداست باقی است و ما صابران را به بیشتر از آنچه بدان عمل کرده‌اند پاداش خواهیم داد.» (نحل: ۹۶)

«و به پرهیزکاران گفته شود پروردگارتان چه فرستاد؟ گویند: نیکویی، برای آنان که در این دنیا نیکی کردند پاداش نیک است و البته سرای آخرت برای آنها بهتر است و چه نیکوست خانه اهل تقوا.» (نحل: ۳۰)

البته از آنجا که براساس تعالیم اسلامی، آخرت اصالت دارد و دنیا در مقایسه با آخرت، اهمیت کمتری دارد، در برخی متون، پیامد اصلی رفتار نیک مسلمان پاداش آخرت آن قلمداد شده و نتایج دنیوی آن مازاد بر نتیجه اخروی دانسته شده است، چنان که امام باقر^{علیه السلام} در تفسیر آیه شریفه «لَّذِينَ احْسَنُوا الْحَسَنَى وَ زِيَادَةً» (یونس: ۲۶) می‌فرماید: «و اما مقصود از «حَسَنَى» بهشت است و مقصود از «زیاده» دنیا است. آنچه خداوند در دنیا به آنها عطا می‌کند در آخرت از آنها محاسبه نمی‌کند.»^{۱۹}

امام زین العابدین^{علیه السلام} نیز در حدیث شریفی به منافع متعدد انفاق در راه خدا توجه داده و در عین حال، زیاده‌روی در انفاق را پسندیده نمی‌داند و منافع مربوط به دنیا را نیز تأیید می‌کند: «انسان باید با میانه‌روی و تا مرز کفایت، انفاق کند و زیاده مالش را برای آخرتش پیش فرستد که این برای پایداری نعمت، مناسب‌تر و به فزونی از طرف خدا نزدیک‌تر و برای عافیت سودمندتر است.»^{۲۰}

معیار ششم، خلوص: بر اساس معیار ششم، بنتام بهره‌مندی از لذت‌های خالص را که آمیخته با آلام نیست و منافی که هیچ زیان و مشکلی به همراه ندارد، بر دیگر منافع و لذات مقدم می‌داند. و اما این ویژگی در تمام منافع اخروی توسط پروردگار حکیم پیش‌بینی شده و او بارها در آیات قرآن کریم بشر را به این نکته یادآور شده است که لذات و پاداش‌های اخروی عاری از هرگونه ناملایمات بوده و راحتی و آسایش مطلق تنها در جهان آخرت آفریده شده است، در حالی که منفعت‌های دنیا همواره با سختی و درد و مشکل همراه است و از آسایش عاری از مشکل و رنج و سختی در دنیا خبری نیست. بنابراین، اگرچه بنتام سودی را که همراه رنج و مشقت نباشد بر غیر آن ترجیح می‌دهد، اما در حقیقت، دنیا همواره همراه سختی است و آسودگی محض در این جهان، دست نیافتنی است. پس اگر منفعت دنیوی با منفعت اخروی در تعارض باشد، بر اساس اصل ششم بنتام، مرجوح بوده و بر منفعت اخروی مقدم نخواهد بود.

خداوند متعال خالی بودن منفعت و سود و لذت را از سختی و مشقت، تنها در جهان آخرت ممکن می‌داند و به همین دلیل، بهشتیان را در بهشت از هرگونه ناملایمی و ستم و هرگونه لغو و گناه در امان داشته و در آیات مختلف به این مسئله اشاره می‌کند: «و هرگز بر رخسارشان گرد گمراهی و ذلت ننشیند، آنان اهل بهشتند و تا ابد در آنجا - متنعم - خواهند بود.» (یونس: ۲۶) همچنین می‌فرماید: «در آنجا بر تخت‌های خود تکیه زنند در حالی که نه با گرمای شدید

مواجه شوند و نه با سرمای شدید». (انسان: ۱۳) نیز می‌فرماید: «و هر کس کارهای نیک انجام دهد مرد باشد یا زن و با ایمان باشد، به بهشت داخل می‌شود و به اندازه فرورفتگی پشت هسته خرما به آنها ستم نخواهد شد». ^{۲۱} در آیه‌ای دیگر نیز آمده است: «در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه سخن گناه آلودی مگر سخنی که سراسر سالم و سلامت باشد». (واقعه: ۲۵ و ۲۶) ^{۲۲}

معیار هفتم، شمولیت و گستردگی: هفتمین و آخرین معیاری که در محاسبه سودگرایانه بنتام مطرح است معیار شمولیت و گستردگی است. بر اساس این معیار، کارهایی که منافع جمعی دارد بر کارهایی که پیامدش منفعت شخصی و فردی است، مقدم است. در اسلام نیز مسلمانان برادر دینی یکدیگر خوانده شده‌اند ^{۲۳} و مسلمانی که در هر روز به رسیدگی به امور مسلمانان اهتمام نورد مسلمان دانسته نشده است. ^{۲۴} همچنین توجه به ممنوع، اعم از ارحام، همسایگان، برادران دینی و حتی ممنوعان پس از ایمان به خدا در رأس امور قرار گرفته است. همین‌طور خلق خدا عیال او قلمداد شده و خدمت به خلق، خدمت به عیال خدا تعبیر شده است. ^{۲۵} در متون بسیاری، توجه به نیاز ممنوع و هم‌کیش، فریضه الهی و حق آنان دانسته شده ^{۲۶} و کوتاهی کردن از آن فرایض و ادای آن حقوق، مورد نکوهش خدا و اولیای او قرار گرفته است. متون فراوانی که در این خصوص در بین آموزه‌های دینی دیده می‌شود حاکی از اهمیت والای خدمت به برادران دینی و ممنوعان است. به هر حال، وجود متون بسیار در این زمینه، نشان می‌دهد که انسان مؤمن و مسلمان نه تنها هیچ‌گاه حق ندارد منافع شخصی خود را به قیمت زیان وارد کردن به دیگران دنبال کند، بلکه به شدت ترغیب شده است تا منافع جامعه و دیگران را بر منافع شخصی خود مقدم شمارد تا از این رهگذر کار نیک او که در مسیر رساندن نفع به دیگران بوده، به عنوان کاری بارور، علاوه بر منافع دنیوی، منافع و پاداش اخروی را نیز در پی داشته باشد.

در پایان، این نکته قابل توجه است که سودگرایی بنتام، تاریخ انسانیت و مدنیت را طی قرون متمادی، کمک کار انسان در محاسبه سودگرایی معرفی می‌کند، اما از منظر یک موحد و معتقد به ادیان آسمانی، دین و آموزه‌های آن دستگیر انسان بوده و به او کمک می‌کند تا عمل اخلاقی را انتخاب کرده از درگیری زیاد در جهت محاسبه معیارهای مختلف تا اندازه قابل توجهی خلاصی یابد. به عبارت دیگر، دین با تعیین اعمال و رفتار اخلاقی، زحمت و بار این محاسبه را از دوش بشر برداشته، زیرا دین سعادت و لذت زایل نشدنی بشر را هدف گرفته است و بر همین اساس، رفتار اخلاقی‌ای که به او توصیه می‌کند، سعادت دنیا و آخرت او را نشانه رفته است، اما سعادت و رستگاری اخروی به دلیل مزیت‌های متعدد در اولویت قرار داشته و ارجح است.

استاد مصباح یزدی نیز در نقد کوتاهی که به اصول هفت‌گانه بنتام مطرح می‌کند یکی از بزرگ‌ترین اشکالات او را نادیده گرفتن جهان آخرت و لذت‌های اخروی می‌داند. وی در بخشی از اشکالات خود به نظریه او می‌نویسد:

یکی از ایرادهای اساسی نظریه بنتام و همچنین سایر سودگرایان این است که بر منافع دنیوی تکیه کرده و از منافع اخروی غفلت ورزیده و حیات آن جهانی را نادیده گرفته‌اند. اگر بناست میزان و معیار ارزش اخلاقی را در میزان سود و لذت حاصله از آن جست‌وجو کنیم، چرا نباید سود اخروی و آن جهانی آنها را نیز مورد توجه قرار دهیم؟ اگر شدت و قوت را به عنوان یکی از معیارهای محاسبه لذات می‌دانیم آیا لذات اخروی نسبت به لذات دنیوی شدیدتر و قوی‌تر نیستند؟ اگر مدت و دوام لذت و سود اعمال را به عنوان یکی از معیارهای هفت‌گانه برای سنجش میزان سود اعمال معرفی می‌کنیم چرا نباید سودها و لذایذ اخروی را که به مراتب پایدارتر و مداوم‌تر از هر نوع سود و لذت دنیوی هستند به حساب آوریم؟ و اگر خلوص را به عنوان معیاری برای محاسبه لذت در نظر بگیریم آیا خالص‌تر از لذات اخروی می‌توان لذتی پیدا کرد؟ و آیا اصولاً در این دنیا می‌توان لذایذ خالص و مبرای از هرگونه المی یافت.^{۲۷}

بنابراین در مسیر دستیابی به لذت یا سعادت در موارد فراوانی به جای محاسبه میزان خیر و شر اعمال، تنها اعتماد به دین و دستورات اخلاقی آن کافی است؛ یعنی کمک آموزه‌های دینی به دستیابی به سعادت و سود، بسیار کارساز بوده و علاوه بر تسهیل در انجام رفتار اخلاقی در بسیاری اوقات از تحیر یا انحراف بشر جلوگیری می‌کند.

به هر حال چه معیارهای اندازه‌گیری خیر را همچون بنتام هفت عدد بدانیم و چه تعداد آنها را بیشتر یا کمتر بدانیم باید آموزه‌های دین را به عنوان مهم‌ترین راهنمای انسان در انتخاب رفتار اخلاقی قلمداد کرد و راه سعادت‌مندی برای بشر جز پیروی از ارمغان پیامبران برای بشر وجود ندارد. و البته تنها در این صورت است که اهم اشکالات وارده بر نظریه بنتام پاسخ داده خواهد شد؛ اشکالاتی چون عمل ناپذیر بودن،^{۲۸} زیرا لذت‌های اخروی بی‌اندازه شدید و نیز فنا ناپذیر است و در مقام مقایسه با هیچ یک از لذات دنیوی قابل قیاس نیست. همچنین درد و الم‌های اخروی را نیز نمی‌توان با سختی‌های دنیوی مقایسه کرد. بنابراین، انسان معتقد هرگز هنگام تعارض لذت دنیوی و اخروی دچار شک و تردید و تحیر نخواهد شد. این تحیر وقتی فعلیت می‌یابد که مقایسه بین دو لذت دنیوی یا دو درد مربوط به دنیا باشد که در بعضی موارد امکان تشخیص انتخاب به راحتی میسر نخواهد بود.

نتیجه

از آنچه گذشت به نتایج متعددی می‌توان دست یافت که برخی از آنها عبارت است از:

۱. با تغییر جهان بینی مادی به جهان بینی الهی، نظریه سودگرایی، به ویژه نظریه سودگرایی جرمی بنتام قابل ترمیم بوده و می‌توان آن را به نظریه‌ای با عنوان «نظریه سودگروی دینی یا اسلامی» تبدیل کرد.

۲. تبدیل نظریه اخلاقی بنتام به نظریه سودگروی اسلامی به این معنا نیست که دین اسلام

سودگروی را تنها نظریه اخلاقی می‌داند و تأیید می‌کند، زیرا با مراجعه به منابع دینی خواهیم دید رضوان خدا و کسب خشنودی او مرتبه‌ای بالاتر و کامل‌تر از سودگروی اسلامی بوده و بنا به تعبیر حضرت علی علیه السلام آن، عبادت آزادگان است و این، عبادت تجار.

۳. ایمان به خدا و پایبندی به معارف دینی نه تنها ضامن منافع دنیا از راه مشروع و مباح است، بلکه منافع ابدی اخروی را نیز احیا می‌کند و تنها از این راه می‌توان به منافع حقیقی رفتار اخلاقی که هم بزرگ و هم ابدی و هم خالی از هرگونه ناملایمات و سختی‌هاست دست پیدا کرد.

۴. بروز تعارض میان منافع برخی کارها طبیعی است و لزوم سنجش میزان بزرگی، دوام و دیگر خصوصیات منفعت‌ها که مزیت کاری را بر دیگری معین می‌سازد، باعث می‌شود که برای انتخاب کار مورد نظر، تأمل کرده و پس از تفکر و ارزیابی، دست به انجام کار بزنیم. و اما اگر نگرش ما به جهان آفرینش بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی باشد هنگام تعارض منفعت دنیوی با منفعت اخروی هیچ‌گاه منفعت دنیوی را ترجیح نخواهیم داد، زیرا اگر چه ممکن است دستیابی به منفعت دنیوی از نظر زمانی نزدیک‌تر باشد، اما هرگز بزرگی و عظمت آن، بقا و پایداری و باروری آن و نیز خلوص آن از هرگونه الم و درد و احتمال حصول آن به اندازه لذت و منفعت اخروی نخواهد بود.

۵. از مهم‌ترین نتایج این مقاله این نکته است که دین با آگاهی از گرایش‌های فطری و طبیعی انسان، او را به درآمیخته بودن دنیا با سختی‌ها و مشقات و عدم امکان بهره‌مندی از همه خوبی‌ها و لذت‌ها در دنیا بدون مبتلا شدن به ناملایمات و بلاها آگاه ساخته و انسان را برای سعادت ابدی و فناپذیر و رسیدن به تمایلات فطری خویش به ایمان به خدا و عمل صالح در دنیا دعوت کرده و از او خواسته است تا پیرو پیامبران و اولیای الهی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک. نیکولاس کاپالدی، بنتام، میل و مکتب فایده‌گرایی، ترجمه محمد بقایی؛ و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین.
۲. و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۲، ص ۴۸۴؛ ر.ک. فریدریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ص ۲۵.
۳. و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۲، ص ۴۸۴-۴۸۵.
۴. ر.ک. بنتام، میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۶۰.
۵. هری. جی. گنسلر، درآمدی جدید بر فلسفه اخلاق، ص ۲۶۸.
۶. ر.ک. محمدتقی مصباح، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، ص ۱۸۱-۱۸۴.
۷. همان، ص ۱۸۴-۱۸۷؛ همچنین ر.ک. بنتام، میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۳۴؛ و.ت. جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ص ۴۸۷ و ۴۸۸؛ فریدریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۸، ص ۲۷.

8. Intensity
9. Duration
10. Certainty or uncertainty
11. Propinquity or remoteness
12. Fecundity
13. Extent

۱۴. محمدتقی مصباح، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، ص ۱۸۷-۱۷۷.
۱۵. در قرآن کریم آیات فراوانی آمده است که به دوام و بقای نعمات الهی در بهشت و قیامت تصریح کرده و البته عذاب جهنم را نیز ابدی شمرده است. برای مثال در قرآن کریم فقط عبارت «خالدین فیها» که به خلود در بهشت یا جهنم اشاره دارد چهل مرتبه ذکر شده است.
۱۶. نهج البلاغه، شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، ص ۱۶.
۱۷. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۸.
۱۸. انعام: ۱۶۰.
۱۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۶۰، ج ۶.
۲۰. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۲، ج ۱.
۲۱. نساء: ۱۲۴، و ر.ک. مریم: ۶۰ و نساء ۴۸.
۲۲. و همچنین ر.ک. مریم: ۶۰ تا ۶۲.
۲۳. همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند پس بین برادرانتان اصلاح کنید و از خدا بترسید باشد که مرد رحمت قرار گیرید. (حجرات: ۱۰)
۲۴. رسول اکرم ﷺ فرمود: «هرکس صبح کند و به رسیدگی به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد مسلمان نیست». (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۱) امام عسکری ﷺ نیز می‌فرماید: دو خصلت است که بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران. (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۴).
۲۵. رسول اکرم ﷺ مخلوقات، عیال خدا هستند و بلندمرتبه‌ترین آنها نزد خدا سودمندترین آنها برای عیال او هستند. (حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۲۰، ح ۴۲۱)
۲۶. امام کاظم ﷺ می‌فرمایند: «أنه وقف خیال الکعبة ثم قال: «ما أعظم حَقِّک یا کعبة و والله حق المؤمن لأعظم من حَقِّک». (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۶، ح ۲۰) / حضرت علی ﷺ می‌فرمایند: «قضاء حقوق الاخوان أشرف أعمال المتقين يستجلب مودة الملائكة المقربين». (عبداللطیف بن علی حارثی عاملی، جامع الاخبار، ص ۹۱) / امام سجاد ﷺ می‌فرمایند: «ان الله تعالی لم یفترض فريضة أشد من بر الاخوان... فطوبى لمن وقفه الله تعالی لأداء حق المؤمن». (حسن بن محمد دیلمی،

اعلام‌الدین، ص ۱۲۵) / رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «من حبس عن أخيه المسلم شيئاً من حقه حرم الله عليه بركة الرزق إلّا أن يتوب». (شیخ صدوق ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵، ح ۴۹۶۸) / امام صادق ﷺ می‌فرمایند: «یا یونس من حبس حق المؤمن أقامه الله يوم القيامة خمسمائة عام على رجلیه حتی یسبیل عرقه أو دمه و ینادی مناد من عند الله عزوجل هذا الظالم الذی حبس عن الله عزوجل حقه ، قال فیوبخ اربعین یوم و یؤمر به الی النار». (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲)
امام علی ﷺ می‌فرماید: «من دلائل الخذلان الاستهانة بحقوق الاخوان». (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۹۴۱۲) ۲۷. محمدتقی مصباح، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، ص ۱۹۰.
۲۸. رک. بنتام، میل و مکتب فایده‌گرایی، ص ۴۶؛ رک. وت. جونز، خدانندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، ص ۴۹۲.



منابع

- سیدرضی، نهج البلاغه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۸ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء الکتب العربی، ۱۹۶۵.
- راون، استوارت، صد فیلسوف قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، تهران، فقتوس، ۱۳۸۲.
- نیکولاس کاپالدی، بنتمام ومیل و مکتب فایده گرایی، ترجمه محمد بقایی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۸۳.
- فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- ج ۸
- هری.جی.گنسلر، درآمدی جدید بر فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، تهران، آسمان خیال، ۱۳۸۵.
- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، با مقدمه استاد مصطفی ملکیان، قم، طه، ۱۳۷۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- سکینه نعمتی، «مقاله نقد و بررسی سودگروی اخلاقی جرمی بنتام»، روزنامه رسالت، ش ۵۹۷۷ تاریخ: ۸۵/۷/۱۰.
- بنتمام، میل و مکتب فایده گرایی، ترجمه محمد بقایی، تهران، اقبال، ۱۳۸۳.
- وت.جونز، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۰.
- فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه جلال الدین مجتبی، تهران، سروش، ۱۳۸۰، ج ۸.
- دایانه کالینسون، ۵۰ فیلسوف بزرگ از تالس تا سارتر، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی، ۱۳۷۹.

